

تحلیل تطبیقی اصل حاکمیت اراده در انتخاب قانون حاکم بر داوری بین‌المللی: مطالعه موردی ایران و فرانسه

لیلا بیات شاهپرست

دانش آموخته ی کارشناسی ارشد گروه حقوق، گرایش مالی اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزآباد، ایران.

چکیده

این مقاله به تحلیل تطبیقی اصل حاکمیت اراده در انتخاب قانون حاکم بر داوری بین‌المللی با مطالعه موردی ایران و فرانسه می‌پردازد. هدف اصلی پژوهش بررسی میزان آزادی طرفین در تعیین قانون حاکم و تاثیر این اصل بر اجرای موافقتنامه‌های داوری است. در این راستا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه اسناد قانونی و رویه‌های قضایی دو کشور، نقاط اشتراک و افتراق نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هر دو نظام حقوقی به اصل حاکمیت اراده احترام می‌گذارند، اما تفاوت‌هایی در میزان محدودیت‌ها و نقش دادگاه‌های ملی در تفسیر و اعمال قانون حاکم وجود دارد که می‌تواند بر نحوه اجرای داوری‌های بین‌المللی تاثیرگذار باشد. در این مطالعه، مشخص شد که هر دو کشور اصل حاکمیت اراده را به رسمیت می‌شناسند و طرفین می‌توانند قانون حاکم را انتخاب کنند، اما در ایران داوران ملزم به رجوع به قواعد حل تعارض حقوقی هستند و نمی‌توانند مستقلاً قانون ماهوی را تعیین کنند، در حالی که در فرانسه این محدودیت کمتر است. همچنین نقش دادگاه‌های ملی در تایید یا ابطال صلاحیت داوران و اعتبار موافقتنامه‌های داوری در هر دو کشور مهم است ولی رویه‌ها متفاوت می‌باشند. قوانین ایران و فرانسه در برخی موارد محدودیت‌هایی بر آزادی اراده اعمال می‌کنند که ناشی از ملاحظات نظم عمومی است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اصل حاکمیت اراده در انتخاب قانون حاکم بر داوری بین‌المللی، پایه‌ای مشترک در ایران و فرانسه است اما تفاوت‌های ساختاری و رویه‌ای وجود دارد که می‌تواند بر روند داوری تاثیرگذار باشد. برای ارتقای هماهنگی و کارآمدی داوری بین‌المللی، لازم است اصلاحات قانونی و رویه‌ای در هر دو کشور با توجه به تجارب متقابل صورت گیرد. همچنین توجه به ملاحظات نظم عمومی و نقش دادگاه‌های ملی در تضمین اجرای صحیح موافقتنامه‌های داوری ضروری است.

واژگان کلیدی: اصل حاکمیت اراده، قانون حاکم، داوری بین‌المللی، داوری تجاری، حقوق ایران، حقوق فرانسه، قواعد حل تعارض، دادگاه‌های ملی، موافقتنامه داوری و نظم عمومی

۱-مقدمه

در سال‌های اخیر، داوری بین‌المللی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین روش‌های حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی مورد توجه گسترده‌ای قرار گرفته است. این اهمیت ناشی از ویژگی‌هایی مانند سرعت در رسیدگی، تخصصی بودن داوران، کاهش دخالت دادگاه‌های ملی و حفظ حریم خصوصی طرفین است. با این حال، یکی از مسائل کلیدی و چالش‌برانگیز در داوری بین‌المللی، تعیین قانون حاکم بر موافقتنامه‌های داوری است که نقش بسزایی در تبیین حقوق و تکالیف طرفین و نیز نحوه اجرای آرای داوری دارد. اصل حاکمیت اراده، به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق داوری، به طرفین اجازه می‌دهد تا آزادانه قانون حاکم بر موافقتنامه داوری خود را انتخاب کنند. این اصل، اگرچه در اکثر نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است، اما در نحوه تفسیر، محدودیت‌ها و اجرای آن تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد که می‌تواند بر کارایی و مشروعیت داوری تأثیرگذار باشد. (کامینگا، ۱۳۹۲)

در نظام حقوقی ایران، اصل حاکمیت اراده در انتخاب قانون حاکم بر داوری مورد پذیرش است، اما داوران ملزم به رعایت قواعد حل تعارض حقوقی هستند و نمی‌توانند به‌طور مستقل قانون ماهوی را تعیین کنند. این موضوع باعث می‌شود که نقش دادگاه‌های ملی در تفسیر و اعمال قانون حاکم برجسته شود. در مقابل، نظام حقوقی فرانسه با رویکردی انعطاف‌پذیرتر، آزادی بیشتری به طرفین و داوران در انتخاب و اعمال قانون حاکم می‌دهد و محدودیت‌های کمتری در این زمینه اعمال می‌کند. این تفاوت‌ها ناشی از ساختارهای حقوقی، رویه‌های قضایی و ملاحظات نظم عمومی در هر کشور است که بررسی تطبیقی آن‌ها می‌تواند به درک بهتر چالش‌ها و فرصت‌های موجود در داوری بین‌المللی کمک کند. (جنیدی، ۱۳۹۷)

ضرورت انجام این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که با گسترش روابط تجاری بین‌المللی و افزایش پیچیدگی قراردادهای، اهمیت تعیین دقیق و صحیح قانون حاکم بر موافقتنامه‌های داوری بیش از پیش احساس می‌شود. نبود هماهنگی و تفاوت در رویه‌های حقوقی می‌تواند منجر به تردید در اجرای آرای داوری، افزایش هزینه‌ها و طولانی شدن روند حل اختلافات شود. از سوی دیگر، شناخت دقیق اصول و محدودیت‌های حاکمیت اراده در نظام‌های حقوقی مختلف، به تدوین قوانین بهتر و ارتقای جایگاه داوری بین‌المللی کمک می‌کند. بنابراین، مطالعه تطبیقی بین ایران و فرانسه، به‌عنوان دو نظام حقوقی مهم و تأثیرگذار، می‌تواند زمینه‌ساز بهبود سیاست‌های حقوقی و افزایش اعتماد به داوری بین‌المللی باشد. (جنیدی، ۱۳۹۶)

این پژوهش با هدف تحلیل دقیق اصل حاکمیت اراده در انتخاب قانون حاکم بر داوری بین‌المللی و مقایسه تطبیقی آن در حقوق ایران و فرانسه انجام شده است. اهمیت این موضوع در این است که شناخت تفاوت‌ها و شباهت‌ها، امکان بهره‌گیری از تجارب موفق و اصلاح قوانین و رویه‌ها را فراهم می‌آورد. همچنین، این مطالعه می‌تواند به حقوق‌دانان، داوران و سیاست‌گذاران کمک کند تا در مواجهه با اختلافات بین‌المللی، تصمیمات بهتری اتخاذ کنند و روند داوری را تسهیل نمایند. (جنیدی، ۱۴۰۰)

به‌طور کلی، این تحقیق در پی پاسخ به این سوال است که چگونه اصل حاکمیت اراده در انتخاب قانون حاکم بر موافقتنامه‌های داوری در ایران و فرانسه تفسیر و اجرا می‌شود و چه تفاوت‌هایی میان این دو نظام حقوقی وجود دارد که می‌تواند بر کارایی داوری بین‌المللی تأثیرگذار باشد. بررسی این موضوع نه تنها از منظر نظری بلکه از لحاظ عملی نیز اهمیت دارد، زیرا داوری بین‌المللی به‌عنوان ابزاری کلیدی در حل اختلافات تجاری، نیازمند چارچوب‌های حقوقی روشن و هماهنگ است که بتواند اعتماد طرفین را جلب کند و از اجرای مؤثر آرای داوری حمایت نماید. در نهایت، این پژوهش با تکیه بر منابع قانونی، رویه‌های قضایی و نظریات حقوقی، تلاش دارد تا با ارائه تحلیل تطبیقی و پیشنهادات کاربردی، به بهبود نظام داوری

بین‌المللی و ارتقای جایگاه اصل حاکمیت اراده در انتخاب قانون حاکم کمک نماید و خلأهای موجود را در این زمینه شناسایی و مرتفع سازد. (شمس، ۱۳۹۲)

اصل حاکمیت اراده در انتخاب قانون حاکم بر داوری بین‌المللی در حقوق ایران و فرانسه چگونه تعریف و تبیین شده است؟ چه محدودیت‌ها و شرایطی در اجرای اصل حاکمیت اراده در نظام حقوقی ایران و فرانسه وجود دارد؟ تفاوت‌ها و شباهت‌های حقوقی بین ایران و فرانسه در پذیرش و اعمال اصل حاکمیت اراده در داوری بین‌المللی چیست؟ نقش نظم عمومی و قواعد آمره در محدود کردن اصل حاکمیت اراده در هر دو نظام حقوقی چگونه است؟

۲- کلیات و مبانی نظری

۲-۱- تعریف اصل حاکمیت اراده در قراردادهای داوری بین‌المللی

اصل حاکمیت اراده در قراردادهای داوری بین‌المللی به این معنا است که طرفین قرارداد یا توافق داوری، حق دارند آزادانه قانون حاکم بر قرارداد یا داوری خود را انتخاب کنند؛ یعنی قراردادهای تابع قانونی هستند که مورد توافق طرفین قرار گرفته است. این اصل مبتنی بر فلسفه آزادی اراده انسان است که انسان را موجودی آزاد و مختار می‌داند که می‌تواند با اراده خود تعهدات و قراردادهایی را ایجاد کند و قانون منتخب خود را برای تنظیم روابط حقوقی خود تعیین نماید در حقوق بین‌الملل خصوصی و داوری بین‌المللی، اصل حاکمیت اراده به طرفین اجازه می‌دهد قانون ماهوی حاکم بر دعوا یا قرارداد را تعیین کنند و این آزادی انتخاب، به شرطی محترم شمرده می‌شود که انتخاب آنها مطابق قوانین حاکم بر موافقتنامه داوری و نظم عمومی نباشد. این اصل در قوانین داخلی بسیاری از کشورها و همچنین در اسناد بین‌المللی مانند قانون نمونه آنسیترال (UNCITRAL Model Law) پذیرفته شده است و در ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران نیز منعکس شده است که ترجمه ماده ۲۸ قانون نمونه آنسیترال است. به طور خلاصه، اصل حاکمیت اراده، آزادی طرفین را در انتخاب قانون حاکم بر قرارداد یا داوری بین‌المللی تضمین می‌کند و این انتخاب، مبنای مشروعیت اعمال قانونی و تعهدات قراردادی است، هرچند ممکن است محدودیت‌هایی مانند رعایت نظم عمومی و قواعد آمره وجود داشته باشد. (پاشا بنیاد، ۱۳۹۴)

۲-۲- اهمیت و جایگاه اصل حاکمیت اراده در حقوق بین‌الملل خصوصی و داوری

اصل حاکمیت اراده در حقوق بین‌الملل خصوصی و داوری اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد، زیرا مبنای اصلی آزادی طرفین در انتخاب قانون حاکم بر قراردادهای داوری بین‌المللی است. این اصل نشان می‌دهد که داوری برخلاف رسیدگی قضایی، کاملاً مبتنی بر توافق و اراده طرفین است و طرفین می‌توانند با توافق خود داوری را به عنوان روش حل اختلاف انتخاب کنند و قانون حاکم بر داوری و ماهیت دعوی را تعیین نمایند. از آنجا که داوری فرآیندی قراردادی است، اصل حاکمیت اراده تضمین می‌کند که اراده طرفین در تعیین شرایط داوری، انتخاب داوران، مکان، زبان و حتی قانون حاکم بر داوری محترم شمرده شود این اصل باعث انعطاف‌پذیری بیشتر داوری نسبت به رسیدگی قضایی شده و به توسعه و رونق مبادلات تجاری بین‌المللی کمک می‌کند. با این حال، اصل حاکمیت اراده محدودیت‌هایی نیز دارد؛ از جمله رعایت نظم عمومی و قواعد آمره که می‌تواند اراده طرفین را محدود کند تا از تضاد با موازین اساسی حقوق جلوگیری شود همچنین در قوانین ایران، تعارض میان ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی که اصل حاکمیت اراده را تأیید می‌کند و ماده ۹۶۸ قانون مدنی که محدودیت‌هایی قائل است، جایگاه این اصل را به بحث گذاشته است. در مجموع، اصل حاکمیت اراده به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل خصوصی و داوری، تضمین‌کننده آزادی قرارداد و انتخاب قانون است که به طرفین امکان می‌دهد با

توافق خود چارچوب حقوقی مناسبی برای حل اختلافات بین‌المللی خود تعیین کنند، البته در چارچوب محدودیت‌های قانونی و نظم عمومی. (جنیدی، ۱۳۹۶)

۲-۳-۲- مروری بر نظریه‌های مرتبط با حاکمیت اراده (نظریه حکومت قانون محل انعقاد قرارداد و نظریه حکومت قانون منتخب طرفین)

در حوزه حقوق بین‌الملل خصوصی و داوری بین‌المللی، دو نظریه اصلی درباره تعیین قانون حاکم بر قراردادها مطرح است که ارتباط تنگاتنگی با اصل حاکمیت اراده دارد:

۲-۳-۲-۱- نظریه حکومت قانون محل انعقاد قرارداد

این نظریه که سابقه تاریخی طولانی دارد، معتقد است قانون حاکم بر قرارداد، قانونی است که در محل انعقاد قرارداد اعمال می‌شود. به عبارت دیگر، قانون محل وقوع قرارداد به عنوان قانون اصلی تعیین‌کننده ماهیت و اعتبار قرارداد شناخته می‌شود. این نظریه بر این فرض استوار است که محل انعقاد قرارداد، پیوند واقعی و طبیعی با قرارداد دارد و قاضی با اتکا به این محل، می‌تواند قانون مناسب برای رسیدگی به قرارداد را تعیین کند. این نظریه در بسیاری از نظام‌های حقوقی، به ویژه در برخی کشورهای آمریکای لاتین و ایران (ماده ۹۶۸ قانون مدنی) به عنوان قاعده حاکم مطرح بوده است. با این حال، این نظریه گاهی به عنوان محدودکننده آزادی طرفین در انتخاب قانون تلقی می‌شود. (اسدی نژاد، ۱۴۰۲)

۲-۳-۲-۲- نظریه حکومت قانون منتخب طرفین (اصل حاکمیت اراده)

این نظریه که در حقوق معاصر و به ویژه در حقوق داوری بین‌المللی جایگاه برجسته‌ای یافته است، بر آزادی طرفین در انتخاب قانون حاکم بر قرارداد تأکید دارد. بر اساس این نظریه، طرفین قرارداد می‌توانند با توافق خود، قانونی را به عنوان قانون حاکم بر قرارداد تعیین کنند، بدون آنکه محدود به قانون محل انعقاد قرارداد باشند. این اصل، تجلی آزادی اراده و خودمختاری طرفین در تنظیم روابط قراردادی است و در قوانین مدرن مانند قانون نمونه آنسیترال و ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران منعکس شده است. این نظریه امکان تطبیق بهتر با اراده واقعی طرفین و شرایط خاص قراردادهای بین‌المللی را فراهم می‌آورد. (افتخار جهرمی، ۱۳۹۷)

۲-۳-۲-۳- چارچوب حقوقی اصل حاکمیت اراده در ایران

اصل حاکمیت اراده در حقوق ایران به معنای آزادی طرفین قراردادهای بین‌المللی در انتخاب قانون حاکم بر قرارداد یا داوری است. این اصل در ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران به صراحت آمده و ترجمه‌ای از ماده ۲۸ قانون نمونه آنسیترال است که بیان می‌کند طرفین می‌توانند قانون حاکم بر قرارداد یا داوری را به دلخواه انتخاب کنند. (ارفع نیا، ۱۴۰۰) با این حال، در حقوق ایران یک تعارض مهم بین ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی و ماده ۹۶۸ قانون مدنی وجود دارد. ماده ۹۶۸ قانون مدنی بر اساس نظریه قدیمی‌تر، قائل به حکومت قانون محل انعقاد قرارداد است و اختیار تعیین قانون حاکم را به طرفین نمی‌دهد، به ویژه برای ایرانی‌های طرف قرارداد بین‌المللی این ماده به طور سنتی محدودیت‌هایی برای اصل حاکمیت اراده قائل است و این موضوع باعث بروز اختلاف نظری در حقوق ایران شده است. (افتخار جهرمی، ۱۳۹۷)

مطالعات و تحلیل‌های حقوقی اخیر نشان می‌دهد که ماده ۹۶۸ قانون مدنی باید به صورت تخییری (اختیاری) تفسیر شود، به این معنا که طرفین می‌توانند قانون حاکم بر قرارداد را انتخاب کنند و قاعده حکومت قانون محل انعقاد عقد نباید به صورت امری و الزام‌آور تلقی شود. این تفسیر با توجه به ماهیت اختیاری تعهدات قراردادی در قانون مدنی ایران منطقی‌تر است همچنین، اصل حاکمیت اراده در ایران مشروط به رعایت قواعد آمره و نظم عمومی است؛ یعنی انتخاب قانون حاکم باید با قوانین اساسی و موازین نظم عمومی ایران تعارض نداشته باشد تا معتبر شناخته شود. (بختیاری فر، ۱۴۰۱)

در مجموع، چارچوب حقوقی اصل حاکمیت اراده در ایران به شرح زیر است:

ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، پذیرش اصل حاکمیت اراده و آزادی انتخاب قانون حاکم توسط طرفین را تأیید می‌کند ماده ۹۶۸ قانون مدنی، قاعده حکومت قانون محل انعقاد قرارداد را بیان می‌کند اما با تفسیر تخییری می‌توان آن را با اصل حاکمیت اراده هماهنگ کرد رعایت نظم عمومی و قواعد آمره به عنوان محدودیت‌های مهم در اعمال این اصل مطرح است اختلاف و تعارض بین این دو ماده، موضوع بحث و تحلیل‌های حقوقی گسترده‌ای است که راهکار آن تمایل به پذیرش نظریه حکومت قانون منتخب طرفین است این چارچوب نشان می‌دهد که اصل حاکمیت اراده در ایران به صورت نسبی پذیرفته شده و در حال توسعه است، اما همچنان نیازمند تفسیرهای حقوقی و اصلاحات قانونی برای رفع تعارض‌ها و محدودیت‌ها می‌باشد. (امیرمعزی، ۱۳۹۷)

۲-۳-۴- بررسی ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران و ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران

ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران اصل حاکمیت اراده طرفین را در انتخاب قانون حاکم بر ماهیت اختلاف تأیید می‌کند. بر اساس این ماده، داور باید بر اساس قواعد حقوقی که طرفین برای ماهیت اختلاف انتخاب کرده‌اند، تصمیم بگیرد و این انتخاب می‌تواند به هر نحوی صورت گیرد، به طوری که ارجاع به قوانین ماهوی یک کشور مشخص تلقی می‌شود و قواعد حل تعارض شامل آن نمی‌شود، مگر اینکه طرفین توافق دیگری داشته باشند. اگر طرفین قانون حاکم را تعیین نکرده باشند، داور باید بر اساس قواعد حل تعارض، قانونی را که مناسب تشخیص می‌دهد انتخاب کند. همچنین، اگر طرفین به طور صریح اجازه داده باشند، داور می‌تواند بر اساس عدل و انصاف یا به صورت کدخدانمنشانه تصمیم بگیرد. داور باید تصمیمات خود را با توجه به شرایط قرارداد و عرف بازرگانی اتخاذ کند از سوی دیگر، ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران قاعده‌ای متفاوت دارد و بر اساس آن، تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است، مگر اینکه طرفین خارجی باشند و صریحاً یا ضمنی قانون دیگری را انتخاب کنند. این ماده برای اتباع ایرانی محدودیت‌هایی در انتخاب قانون حاکم قائل است و به طور سنتی نظریه حکومت قانون محل انعقاد قرارداد را تأیید می‌کند این دو ماده در تعارض با یکدیگر قرار دارند؛ ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی آزادی انتخاب قانون توسط طرفین را به رسمیت می‌شناسد و اصل حاکمیت اراده را تأکید می‌کند، در حالی که ماده ۹۶۸ قانون مدنی محدودیت‌هایی برای این آزادی قائل است و به قانون محل انعقاد عقد اولویت می‌دهد. برای رفع این تعارض، برخی حقوقدانان ماده ۹۶۸ را به صورت تخییری تفسیر می‌کنند تا با اصل حاکمیت اراده منطبق شود و در عمل ماده ۲۷ در داوری‌های بین‌المللی اولویت داشته باشد. همچنین پیشنهاد شده است که اصلاح قانونی در ماده ۹۶۸ صورت گیرد تا محدودیت‌های موجود برداشته شود و هماهنگی بیشتری با استانداردهای بین‌المللی ایجاد شود. در نتیجه، ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران چارچوبی انعطاف‌پذیر و مطابق با اصول بین‌المللی برای انتخاب قانون حاکم فراهم می‌کند، در حالی که ماده ۹۶۸ قانون مدنی محدودیت‌هایی دارد که می‌تواند آزادی اراده طرفین را محدود کند و این موضوع نیازمند تفسیر حقوقی دقیق و اصلاحات قانونی است. (الماسی، ۱۳۹۲)

۲-۴- تحلیل تعارض بین این دو ماده و رویکردهای قضایی و نظری موجود

تعارض بین ماده ۲۷ قانون داورى تجارى بين‌المللى و ماده ۹۶۸ قانون مدنى ايران از مهم‌ترين مسائل حقوقى در حوزه انتخاب قانون حاکم بر داورى بين‌المللى است. ماده ۲۷ قانون داورى تجارى بين‌المللى اصل حاکميت اراده طرفين را به رسميت مى‌شناسد و به طرفين اجازه مى‌دهد آزادانه قانون حاکم بر ماهيت اختلاف را انتخاب کنند. اين ماده همچنين اجازه مى‌دهد در صورت عدم انتخاب قانون توسط طرفين، داور بر اساس قواعد حل تعارض قانونى مناسب را تعيين کند. همچنين، داور مى‌تواند با اجازه صريح طرفين بر اساس عدل و انصاف تصميم بگيرد. اين ماده با تأکيد بر آزادى اراده، انعطاف‌پذيرى و تطبيق با عرف بازرگانى را در داورى بين‌المللى تضمين مى‌کند. در مقابل، ماده ۹۶۸ قانون مدنى بر اساس نظريه حکومت قانون محل انعقاد قرارداد استوار است و تعهدات ناشى از قرارداد را تابع قانون محل وقوع عقد مى‌داند، مگر اينکه طرفين خارجى باشند و صريحاً يا ضمنى قانون ديگرى را انتخاب کنند. اين ماده براى اتباع ايرانى محدوديتهايى در انتخاب قانون حاکم قائل است و آزادى اراده را به صورت مطلق نمى‌پذيرد. اين تعارض باعث بروز چالش‌هايى در رويه قضايى و نظريه‌هاى حقوقى شده است. برخى حقوقدانان با تفسير تخيرى ماده ۹۶۸، معتقدند که اين ماده بايد به گونه‌اى تفسير شود که آزادى انتخاب قانون توسط طرفين را بپذيرد و به نوعى با ماده ۲۷ هماهنگ گردد. در اين رويکرد، ماده ۹۶۸ به عنوان قاعده‌اى اختيارى تلقى مى‌شود و نه امرى، به طورى که طرفين مى‌توانند قانون حاکم را انتخاب کنند. همچنين در عمل، ماده ۲۷ قانون داورى تجارى بين‌المللى در پرونده‌هاى داورى بين‌المللى به عنوان قانون خاص بر ماده ۹۶۸ اولويت دارد.

رويه قضايى ايران نيز گرايش به پذيرش اصل حاکميت اراده در داورى بين‌المللى دارد و تلاش مى‌کند با تفسيرهاى منعطف و تطبيقى، اين دو ماده را هماهنگ کند. با اين حال، برخى از محاکم و نظريه‌ها همچنان محدوديتهاى ماده ۹۶۸ را مورد تأکيد قرار مى‌دهند و بر ضرورت اصلاح قانون مدنى براى رفع تعارض تأکيد دارند. (اسدى نژاد، ۱۴۰۲)

در نتيجه، تعارض بين ماده ۲۷ قانون داورى تجارى بين‌المللى و ماده ۹۶۸ قانون مدنى ايران ناشى از تفاوت مباني نظرى و رويکردهاى حقوقى است که با تفسير تخيرى ماده ۹۶۸ و اولويت‌دهى به ماده ۲۷ در داورى‌هاى بين‌المللى قابل حل است، اما براى رفع کامل اين تعارض نيازمند اصلاحات قانونى و وحدت رويه قضايى مى‌باشد. (بازگير، ۱۳۸۹)

۲-۵- محدوديتها و شرايط اعمال اصل حاکميت اراده در داورى در ايران

اصل حاکميت اراده در داورى بين‌المللى در ايران به عنوان يک اصل بنيادين پذيرفته شده است، اما اعمال آن با محدوديتها و شرايطى همراه است. نخست، طرفين در انتخاب قانون حاکم بر داورى بايد قواعد آمره و نظم عمومى کشور محل داورى و محل اجراى راي داورى را رعايت کنند؛ اين بدان معناست که انتخاب قانون يا شرايط داورى نبايد برخلاف موازين اساسى حقوقى و اجتماعى ايران باشد، زيرا در صورت تعارض با نظم عمومى، راي داورى قابل ابطال يا عدم اجرا خواهد بود. همچنين، اصل حاکميت اراده محدود به رعايت اخلاق حسنه است؛ قراردادها و انتخاب قوانين نبايد با موازين اخلاقى و شرعى جامعه اسلامى ايران مغايرت داشته باشند، به عنوان مثال قراردادهايى که برخلاف شرع يا اخلاق حسنه باشند، باطل شناخته مى‌شوند. (الماسى، ۱۳۹۲)

علاوه بر اين، محدوديتهايى در تحصيل دليل در داورى وجود دارد؛ ارائه اسناد، استماع اظهارات و بازرسي‌ها بايد در چارچوب قوانين و مقررات مربوط انجام شود و اراده طرفين نمى‌تواند برخلاف اين چارچوب باشد. همچنين، آزادى اراده در داورى در موضوعاتى مانند اموال عمومى يا قراردادهاى دولتى ممکن است محدود شود و تشريفات خاصى براى آنها مقرر گردد. در

نهایت، اصل حاکمیت اراده در داوری باید با رعایت عدالت طبیعی همراه باشد؛ انتخاب قانون یا رویه‌ای که به ضرر یکی از طرفین باشد، پذیرفته نیست. به طور کلی، این محدودیت‌ها به منظور حفظ تعادل بین آزادی طرفین و رعایت موازین حقوقی، اجتماعی و اخلاقی کشور اعمال می‌شوند و اصل حاکمیت اراده در داوری در ایران مطلق نیست بلکه در چارچوب این شرایط و محدودیت‌ها قابل اعمال است. (ارفع نیا، ۱۴۰۰)

۲-۶- مباحث مربوط به امری یا تخییری بودن قوانین مرتبط

مباحث مربوط به امری یا تخییری بودن قوانین مرتبط با اصل حاکمیت اراده در داوری بین‌المللی و انتخاب قانون حاکم، از جمله موضوعات مهم و چالش‌برانگیز در حقوق ایران است. قوانین امری قوانینی هستند که طرفین نمی‌توانند برخلاف آن‌ها توافق کنند و این قوانین الزام‌آور و غیرقابل تغییر به وسیله اراده طرفین هستند. در مقابل، قوانین تخییری یا تکمیلی، قوانینی‌اند که در صورت عدم توافق طرفین، به عنوان قانون حاکم اعمال می‌شوند ولی طرفین می‌توانند با توافق خود آن‌ها را تغییر دهند یا قانون دیگری را انتخاب کنند. در حقوق ایران، ماده ۹۶۸ قانون مدنی به طور سنتی به عنوان یک قاعده امری تلقی شده که قانون محل انعقاد قرارداد را به عنوان قانون حاکم بر تعهدات قراردادی تعیین می‌کند و این امر محدودیتی برای اصل حاکمیت اراده ایجاد کرده است. این امر باعث شده برخی حقوقدانان و نظریه‌پردازان به تفسیر تخییری بودن این ماده روی آورند تا امکان انتخاب آزادانه قانون توسط طرفین فراهم شود و با ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی که اصل حاکمیت اراده را تأیید می‌کند، هماهنگ گردد. (افتخار جهرمی، ۱۳۹۷)،

این بحث در حقوق ایران اهمیت دارد زیرا تعیین امری یا تخییری بودن قوانین مرتبط، بر میزان آزادی طرفین در انتخاب قانون حاکم و در نتیجه بر نحوه حل اختلافات داوری تأثیر مستقیم دارد. اگر قوانین امری تلقی شوند، آزادی اراده محدود می‌شود و انتخاب قانون حاکم باید منطبق با آن قوانین باشد، اما اگر تخییری باشند، طرفین می‌توانند با توافق خود قانون حاکم را تعیین کنند و اصل حاکمیت اراده به طور گسترده‌تری اعمال خواهد شد. در نهایت، مباحث امری یا تخییری بودن قوانین مرتبط، نیازمند تحلیل دقیق حقوقی و تطبیقی است تا ضمن حفظ نظم عمومی و موازین اساسی حقوقی، آزادی اراده طرفین در داوری بین‌المللی به بهترین شکل ممکن تضمین شود. (امیرمعزی، ۱۳۹۷)

۲-۷- چارچوب حقوقی اصل حاکمیت اراده در فرانسه

چارچوب حقوقی اصل حاکمیت اراده در فرانسه بر مبنای اصل آزادی قراردادی استوار است که به افراد اجازه می‌دهد در انعقاد قراردادهای خود آزادانه عمل کنند و قانون حاکم بر قرارداد را انتخاب نمایند، مشروط بر آنکه این انتخاب برخلاف قوانین آمره یا نظم عمومی فرانسه نباشد. این اصل در حقوق فرانسه به عنوان بخشی از آزادی اراده پذیرفته شده و در قانون مدنی فرانسه و رویه قضایی آن جایگاه مهمی دارد. در حقوق فرانسه، قراردادها عمدتاً بر اساس اصل رضایی بودن^۱ شکل می‌گیرند؛ به این معنا که قرارداد با توافق طرفین ایجاد می‌شود و نیازی به تشریفات خاص ندارد، مگر در موارد استثنایی که قانون تشریفات خاصی را برای اعتبار قرارداد مقرر کرده باشد. اصلاحات قانون مدنی فرانسه در سال ۲۰۱۶ بر این اصل تأکید کرده و در عین حال تشریفات لازم برای اعتبار قرارداد را مشخص نموده است. این اصلاحات نشان‌دهنده تعادل بین آزادی اراده و ضرورت رعایت قواعد قانونی است.

^۱ - consensuality

اصل حاکمیت اراده در انتخاب قانون حاکم بر قراردادهای داوری بین‌المللی در فرانسه به طرفین اجازه می‌دهد قانون مورد نظر خود را انتخاب کنند، اما این انتخاب نباید با قواعد آمره یا نظم عمومی تعارض داشته باشد. همچنین، در مواردی که طرفین قانونی انتخاب نکنند، قواعد حل تعارض حقوقی فرانسه به تعیین قانون حاکم می‌پردازند. (شیروی، ۱۳۸۵)

در حوزه داوری بین‌المللی، حقوق فرانسه اصل آزادی طرفین در انتخاب قانون حاکم بر داوری و ماهیت اختلاف را تأیید می‌کند و این اصل در قوانین داخلی فرانسه و همچنین در اسناد بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفته است. با این حال، مانند بسیاری از نظام‌های حقوقی، این آزادی مشروط به رعایت نظم عمومی و قوانین آمره است تا از تضاد با موازین اساسی حقوق جلوگیری شود.

به طور خلاصه، چارچوب حقوقی اصل حاکمیت اراده در فرانسه بر پایه آزادی طرفین در انتخاب قانون حاکم، اصل رضایی بودن قراردادهای، رعایت محدودیت‌های ناشی از قواعد آمره و نظم عمومی استوار است که در قانون مدنی و اصلاحات اخیر آن به وضوح منعکس شده است. (سیفی، ۱۳۹۷)

۲-۸- بررسی قوانین و مقررات فرانسه در زمینه انتخاب قانون حاکم بر داوری بین‌المللی

در حقوق فرانسه، قوانین و مقررات مرتبط با انتخاب قانون حاکم بر داوری بین‌المللی بر اساس اصل آزادی اراده طرفین استوار است. طرفین داوری بین‌المللی در فرانسه آزادی قابل توجهی دارند تا قانون یا قواعد حقوقی مورد نظر خود را برای حاکمیت بر ماهیت اختلاف انتخاب کنند، مشروط بر آنکه این انتخاب برخلاف قوانین آمره یا نظم عمومی فرانسه نباشد. این آزادی در قوانین داخلی فرانسه و همچنین در اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون اروپایی راجع به داوری بازرگانی بین‌المللی (۱۹۶۱) به رسمیت شناخته شده است. (سیفی، ۱۳۹۷)

در صورت عدم انتخاب قانون توسط طرفین، داوران در فرانسه اختیار دارند با استفاده از قواعد حل تعارض مناسب، قانون حاکم بر ماهیت دعوی را تعیین کنند. این رویکرد که به عنوان «آزادی داور» شناخته می‌شود، به داور اجازه می‌دهد قاعده تعارضی را که مناسب می‌داند انتخاب کند و حتی می‌تواند قواعد حقوقی ترکیبی یا اصول کلی حقوقی را به کار گیرد، بدون آنکه الزاماً به قواعد حل تعارض کشورهای خاص محدود باشد. این انعطاف‌پذیری در ماده ۱۴۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه نیز منعکس شده است.

همچنین، در حقوق فرانسه، داوران می‌توانند بر اساس عرف بازرگانی و شرایط قرارداد، تصمیمات خود را اتخاذ کنند و در صورت توافق طرفین، امکان صدور حکم بر اساس عدل و انصاف نیز وجود دارد. انتخاب داوران در فرانسه نیز به طور معمول بر عهده طرفین است و هیچ محدودیتی در تابعیت داوران وجود ندارد، به طوری که داوران می‌توانند فرانسوی یا خارجی باشند. به طور خلاصه، چارچوب حقوقی فرانسه در زمینه انتخاب قانون حاکم بر داوری بین‌المللی بر مبنای اصل آزادی اراده طرفین، امکان انتخاب قانون یا قواعد حقوقی مورد نظر، اختیار داور در تعیین قانون حاکم در صورت سکوت طرفین، و رعایت محدودیت‌های نظم عمومی و قوانین آمره استوار است که این چارچوب با رویکردهای نوین داوری بین‌المللی هماهنگ است. (کاشانی، شیخیانی، ۱۳۹۱)

۹- جایگاه اصل حاکمیت اراده در حقوق فرانسه و رویه قضایی مرتبط

اصل حاکمیت اراده در حقوق فرانسه جایگاه بسیار مهم و بنیادینی دارد و به عنوان یکی از اصول پذیرفته شده در نظام حقوقی این کشور شناخته می‌شود. این اصل بیانگر آزادی افراد در انعقاد قراردادهای و اعمال اراده خود در تعیین شرایط و آثار حقوقی

قرارداد است. به عبارت دیگر، قراردادها محصول توافق اراده‌های آزاد طرفین هستند و این اراده‌ها تعیین‌کننده ماهیت، شرایط و آثار حقوقی قرارداد می‌باشند در حقوق فرانسه، اصل حاکمیت اراده به ویژه در قراردادها به صورت اصل رضایی بودن قراردادها نمود پیدا می‌کند؛ یعنی قراردادها با توافق اراده طرفین ایجاد می‌شوند و این اصل در قانون مدنی فرانسه (کد ناپلئون) مورد توجه است، هرچند که قانون‌گذار فرانسوی به دلیل اختلاف نظرهای موجود، به طور صریح به این اصل اشاره نکرده است. همچنین اصل رضایی بودن قراردادها در حقوق فرانسه مطلق نیست و قراردادهای تشریفاتی نیز وجود دارند که رعایت تشریفات آنها برای اعتبار قرارداد ضروری است. در مواردی که تخلف از تشریفات اعتبار قرارداد را تحت تأثیر قرار دهد، دادگاه‌ها ممکن است قرارداد را باطل اعلام کنند.

از سوی دیگر، در حقوق فرانسه اصل حاکمیت اراده در ایقاعات (اعمال حقوقی یک‌طرفه) نیز مورد بررسی قرار گرفته است، اما در حوزه حقوق غیرمالی مانند حقوق خانواده، به دلیل ماهیت خاص نهادها و اهداف ویژه، جایگاه این اصل محدودتر است و گاهی به رسمیت شناخته نمی‌شود. (دشتی، کریمی، ۱۳۹۲)

رویه قضایی فرانسه نیز جایگاه مهمی برای شکل و نحوه ابراز اراده قائل است و فقدان اراده یا شکل صحیح ابراز آن می‌تواند موجب بی‌اثری عمل حقوقی شود. دادگاه‌ها معمولاً به رعایت شکل در اعمال حقوقی اهمیت می‌دهند و تخلف از تشریفات ممکن است به بطلان قرارداد منجر شود در مجموع، اصل حاکمیت اراده در حقوق فرانسه به عنوان اصل آزادی قراردادی و تعیین‌کننده اراده طرفین در ایجاد، شرایط و آثار قراردادها شناخته شده و در رویه قضایی نیز مورد تأکید است، اما این اصل مطلق نیست و در مواردی مانند قراردادهای تشریفاتی و حقوق خانواده محدودیت‌هایی دارد.

۹-۱- محدودیت‌ها و شرایط اعمال این اصل در فرانسه

محدودیت‌ها و شرایط اعمال اصل حاکمیت اراده در حقوق فرانسه به چند دسته مهم تقسیم می‌شود. اول اینکه، هرچند اصل آزادی اراده و رضایی بودن قراردادها در قانون مدنی فرانسه به عنوان یک اصل پذیرفته شده است، اما این اصل مطلق نیست و در مواردی محدود می‌شود. یکی از مهم‌ترین محدودیت‌ها مربوط به تشریفات قانونی است؛ یعنی در برخی قراردادها رعایت تشریفات خاصی الزامی است و عدم رعایت آن‌ها می‌تواند به بطلان قرارداد منجر شود. اصلاحات قانون مدنی فرانسه در سال ۲۰۱۶ به طور صریح اصل رضایی بودن قراردادها را تأیید کرده و در عین حال مقرر داشته است که اگر قانون برای قرارداد شکل خاصی مقرر کرده باشد، عدم رعایت آن شکل موجب بطلان قرارداد خواهد بود. همچنین تشریفاتی که صرفاً برای اثبات قرارداد یا قابلیت استناد در برابر اشخاص ثالث وضع شده‌اند، بر اعتبار قرارداد تأثیر ندارند. (جعفریان، ۱۳۷۹)

دلیل اصلی محدود کردن اصل حاکمیت اراده در برخی موارد، حمایت از منافع طرفین قرارداد یا تضمین نظم عمومی و سیاست‌های اقتصادی دولت است. به این ترتیب، قانونگذار ممکن است برای حمایت از یکی از طرفین یا برای تسهیل نظارت دولت بر اعمال حقوقی، آزادی اراده را محدود کند و شکل معینی را برای ابراز اراده الزامی بداند. این محدودیت‌ها می‌تواند به دلایل حمایتی (مثل پیش‌بینی اطلاعات لازم برای طرفین) یا نظارتی (مثل کنترل اعمال حقوقی توسط دولت) باشد. در حوزه ایقاعات (اعمال حقوقی یک‌طرفه) نیز اصل حاکمیت اراده محدودیت‌هایی دارد، به ویژه در حقوق غیرمالی مانند حقوق خانواده که به علت ماهیت خاص نهادها، جایگاه این اصل محدودتر است و گاهی به رسمیت شناخته نمی‌شود.

در نهایت، در حقوق بین‌الملل خصوصی فرانسه نیز اصل حاکمیت اراده با محدودیت‌هایی مواجه است، از جمله نظم عمومی و قواعد امری که نمی‌توانند به اختیار طرفین قرارداد تغییر یابند. بنابراین، اصل حاکمیت اراده در حقوق فرانسه با وجود اهمیت و جایگاه بنیادین، تحت شرایط و محدودیت‌هایی مانند رعایت تشریفات قانونی، حفظ نظم عمومی، حمایت از طرفین قرارداد و

سیاست‌های دولت اعمال می‌شود و این محدودیت‌ها در قانون و رویه قضایی به طور مشخص تعریف شده‌اند. (دشتی، کریمی، ۱۳۹۲)

۹-۲- بررسی تطبیقی اصل حاکمیت اراده در ایران و فرانسه

در بررسی تطبیقی اصل حاکمیت اراده در ایران و فرانسه، می‌توان به چند نکته کلیدی اشاره کرد که تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو نظام حقوقی را نشان می‌دهد.

در حقوق ایران، اصل حاکمیت اراده به طور نسبی پذیرفته شده است و چارچوب آن در ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی دیده می‌شود که آزادی طرفین در انتخاب قانون حاکم بر داوری را به رسمیت می‌شناسد. با این حال، تعارضی میان این ماده و ماده ۹۶۸ قانون مدنی وجود دارد که بر اساس آن، قانون محل انعقاد قرارداد به عنوان قانون حاکم بر تعهدات قراردادی تعیین شده و محدودیت‌هایی برای آزادی انتخاب قانون توسط اتباع ایرانی قائل شده است. این تعارض باعث شده اصل حاکمیت اراده در ایران به صورت مطلق اجرا نشود و مشروط به رعایت نظم عمومی، قواعد آمره و محدودیت‌های قانونی باشد. همچنین، در حقوق ایران، به ویژه در حوزه ایقاعات و حقوق غیرمالی مانند حقوق خانواده، به علت ماهیت خاص نهادها، جایگاه اصل حاکمیت اراده محدودتر است.

در مقابل، در حقوق فرانسه اصل حاکمیت اراده جایگاه بسیار برجسته‌ای دارد و بر اساس اصل آزادی قراردادی، طرفین می‌توانند آزادانه قانون حاکم بر قرارداد یا داوری را انتخاب کنند، مشروط به اینکه این انتخاب برخلاف قوانین آمره یا نظم عمومی فرانسه نباشد. حقوق فرانسه بر پایه اصل رضایی بودن قراردادهای استوار است و اصلاحات قانون مدنی این کشور نیز بر اهمیت آزادی اراده تأکید کرده است. در رویه قضایی فرانسه نیز به انتخاب طرفین احترام گذاشته می‌شود و اصل حاکمیت اراده به عنوان مبنای آزادی قراردادهای پذیرفته شده است. برخلاف ایران، محدودیت‌ها بیشتر در قالب رعایت نظم عمومی و قواعد آمره اعمال می‌شود و تعارض داخلی قابل توجهی مانند ایران وجود ندارد. (مصلحی، ۱۳۹۴)

از نظر نظری، در هر دو نظام حقوقی، اراده باطنی و اعلام آن اهمیت دارد، اما در فرانسه تأکید بیشتری بر توافق اراده‌ها و رضایت طرفین به عنوان عنصر سازنده عقد وجود دارد. همچنین، در ایران به دلیل تأثیرات فقه اسلامی و اصول خاص حقوقی، برخی محدودیت‌ها و استثنایا برای اصل حاکمیت اراده قائل هستند که در فرانسه کمتر دیده می‌شود. در مجموع، می‌توان گفت که اصل حاکمیت اراده در فرانسه به صورت گسترده‌تر و با چارچوبی شفاف‌تر و منسجم‌تر اجرا می‌شود، در حالی که در ایران این اصل با محدودیت‌ها و تعارض‌های قانونی همراه است که نیازمند تفسیرهای تطبیقی و اصلاحات قانونی است تا هماهنگی بیشتری با استانداردهای بین‌المللی و حقوق فرانسه حاصل شود. (شمس، ۱۳۹۲)

۹-۳- مقایسه رویکردهای حقوقی دو کشور در انتخاب قانون حاکم بر داوری

در مقایسه رویکردهای حقوقی ایران و فرانسه در انتخاب قانون حاکم بر داوری بین‌المللی، چند تفاوت و شباهت اساسی وجود دارد که چارچوب کلی هر دو نظام را مشخص می‌کند. در ایران، اصل حاکمیت اراده در ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و طرفین می‌توانند قانون حاکم بر ماهیت اختلاف را انتخاب کنند. با این حال، تعارضی میان این ماده و ماده ۹۶۸ قانون مدنی وجود دارد که بر اساس آن، قانون محل انعقاد قرارداد به عنوان قانون حاکم بر تعهدات قراردادی تعیین شده و محدودیت‌هایی برای آزادی انتخاب قانون توسط اتباع ایرانی قائل است. همچنین، در ایران محدودیت‌هایی در انتخاب داوران وجود دارد؛ مثلاً طبق قانون داوری تجاری بین‌المللی، داوران نمی‌توانند تابعیت طرفین یا

اطراف آن‌ها را داشته باشند و سرداور باید از اتباع کشور ثالث انتخاب شود. این محدودیت‌ها نشان‌دهنده دخالت بیشتر قوانین داخلی در آزادی اراده طرفین است در فرانسه، آزادی اراده طرفین در انتخاب قانون حاکم بر داوری بین‌المللی گسترده‌تر است و اصل آزادی قراردادی به عنوان یک رکن اساسی پذیرفته شده است. در حقوق فرانسه، داوران می‌توانند قانون یا قواعد حقوقی مورد نظر خود را انتخاب کنند و در صورت عدم تعیین قانون توسط طرفین، داور اختیار دارد با استفاده از قواعد حل تعارض مناسب‌ترین قانون را تعیین نماید. برخلاف ایران، در فرانسه محدودیتی در انتخاب تابعیت داوران وجود ندارد و داوران می‌توانند فرانسوی یا خارجی باشند. همچنین، دادگاه‌های فرانسه نقش حمایتی و مساعدتی در تعیین داوران ایفا می‌کنند و در صورت اختلاف طرفین در انتخاب داور یا سرداور، دادگاه وارد عمل می‌شود از نظر رویه قضایی، هر دو کشور به اصل حاکمیت اراده احترام می‌گذارند اما در ایران این اصل با محدودیت‌های قانونی و تعارضات داخلی مواجه است و در فرانسه چارچوبی منسجم‌تر و هماهنگ‌تر دارد. همچنین، در ایران دخالت دادگاه‌ها در برخی مراحل داوری بیشتر است، در حالی که در فرانسه استقلال داوری و نقش داوران برجسته‌تر است. (جولیان د، لوکاس ی، استفان ا. ۱۳۹۱).

در مجموع، می‌توان گفت که در ایران اصل حاکمیت اراده در انتخاب قانون حاکم بر داوری بین‌المللی پذیرفته شده اما با محدودیت‌ها و تعارضات قانونی همراه است که نیازمند تفسیرهای حقوقی و اصلاحات است، در حالی که در فرانسه این اصل به صورت گسترده‌تر و با چارچوبی شفاف‌تر اجرا می‌شود و آزادی طرفین و داوران در انتخاب قانون و داوران بیشتر مورد توجه است.

۹-۴- نقاط اشتراک و افتراق در پذیرش و محدودیت‌های اصل حاکمیت اراده

نقاط اشتراک و افتراق در پذیرش و محدودیت‌های اصل حاکمیت اراده در ایران و فرانسه به شرح زیر است:

از نظر اشتراکات، هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه اصل حاکمیت اراده را به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق قراردادهای داوری به رسمیت می‌شناسند و آزادی طرفین در انتخاب قانون حاکم بر قرارداد یا داوری را محترم می‌شمارند. همچنین در هر دو کشور، این اصل مشروط به رعایت نظم عمومی، قواعد آمره و اخلاق حسنه است؛ یعنی اراده طرفین نمی‌تواند برخلاف موازین اساسی حقوقی، اجتماعی و اخلاقی کشورها باشد. علاوه بر این، در هر دو نظام، اصل حاکمیت اراده در حوزه حقوق مالی و قراردادهای تجاری جایگاه گسترده‌تری دارد و در حوزه حقوق غیرمالی مانند حقوق خانواده به دلیل ماهیت خاص نهادها محدودیت‌هایی بر آن اعمال می‌شود.

از نظر افتراق، در ایران اصل حاکمیت اراده با محدودیت‌های بیشتری مواجه است و تعارضی میان ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی که اصل آزادی انتخاب قانون را تأیید می‌کند و ماده ۹۶۸ قانون مدنی که قانون محل انعقاد قرارداد را به عنوان قانون حاکم تعیین می‌کند، وجود دارد. این تعارض باعث شده آزادی اراده در ایران مطلق نباشد و نیازمند تفسیرهای تخییری و اصلاحات قانونی باشد. در مقابل، در فرانسه اصل حاکمیت اراده با چارچوبی منسجم‌تر و روشن‌تر اجرا می‌شود و آزادی طرفین در انتخاب قانون حاکم به صورت گسترده‌تری پذیرفته شده است. همچنین در فرانسه تأکید بیشتری بر رضایت و توافق اراده‌های طرفین به عنوان مبنای اعتبار قراردادهای وجود دارد و رویه قضایی نیز از این اصل حمایت می‌کند.

در مجموع، می‌توان گفت که اصل حاکمیت اراده در هر دو کشور به عنوان یک اصل اساسی پذیرفته شده ولی در ایران محدودیت‌ها و تعارضات قانونی بیشتری وجود دارد که باعث شده این اصل به صورت نسبی و مشروط اجرا شود، در حالی که در فرانسه این اصل با آزادی بیشتر و چارچوب قانونی شفاف‌تر به کار گرفته می‌شود. این تفاوت‌ها ناشی از تفاوت‌های

ساختاری، فرهنگی و حقوقی دو نظام است و در حقوق ایران نیازمند تفسیر تطبیقی و اصلاحات قانونی است تا هماهنگی بیشتری با استانداردهای بین‌المللی و حقوق فرانسه حاصل شود. (مؤمنی، ۱۳۹۴)

۹-۵- تأثیر این تفاوت‌ها بر روی حل و فصل اختلافات داوری بین‌المللی

تفاوت‌ها در پذیرش و محدودیت‌های اصل حاکمیت اراده در ایران و فرانسه تأثیر قابل توجهی بر روند حل و فصل اختلافات داوری بین‌المللی دارد. در فرانسه، چارچوب حقوقی منسجم و پذیرش گسترده اصل حاکمیت اراده، آزادی عمل بیشتری به طرفین و داوران می‌دهد تا قانون حاکم بر داوری را انتخاب و به شیوه‌ای انعطاف‌پذیر اختلافات را حل کنند. این رویکرد باعث شده که فرانسه به عنوان یکی از مراکز مهم داوری بین‌المللی شناخته شود و دادگاه‌های آن نقش مساعدتی و حمایتی در داوری ایفا کنند بدون آنکه دخالت‌های غیرضروری در روند داوری داشته باشند. (شیروی، ۱۳۹۱)

در ایران، با وجود پذیرش اصل حاکمیت اراده در ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی، تعارض با ماده ۹۶۸ قانون مدنی و محدودیت‌های ناشی از قواعد آمره و نظم عمومی، آزادی انتخاب قانون را محدود کرده است. این وضعیت می‌تواند منجر به پیچیدگی‌های حقوقی و تأخیر در حل و فصل اختلافات شود و گاهی موجب افزایش دخالت دادگاه‌های ملی در داوری گردد. همچنین، محدودیت‌هایی مانند تعیین تابعیت داوران و رویه قضایی نسبتاً محافظه‌کارانه‌تر، ممکن است جذابیت ایران را به عنوان محل داوری بین‌المللی کاهش دهد. (مؤمنی، ۱۳۹۴)

مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که در فرانسه، دادگاه‌ها به اصل استقلال داوری احترام گذاشته و دخالت‌های قضایی در داوری محدود و هدفمند است، در حالی که در ایران، دخالت دادگاه‌ها در برخی موارد بیشتر است و این امر می‌تواند بر سرعت و کارآمدی داوری تأثیر منفی بگذارد. همچنین، در فرانسه امکان انتخاب داوران خارجی بدون محدودیت وجود دارد که این امر به تنوع و تخصص داوران کمک می‌کند، اما در ایران محدودیت‌هایی در این زمینه وجود دارد.

بنابراین، تفاوت‌های موجود در پذیرش و محدودیت‌های اصل حاکمیت اراده باعث شده است که روند حل و فصل اختلافات داوری بین‌المللی در فرانسه با سهولت، سرعت و انعطاف بیشتری انجام شود، در حالی که در ایران نیازمند اصلاحات قانونی و رویه‌ای است تا بتواند به سطح مشابهی از کارآمدی و جذابیت در داوری بین‌المللی دست یابد. (کامینگا، ۱۳۹۲)

۹-۶- چالش‌ها و راهکارها

چالش‌های اصلی در زمینه اصل حاکمیت اراده در داوری بین‌المللی در ایران و فرانسه شامل محدودیت‌های قانونی، تعارض‌های حقوقی و نقش دادگاه‌ها در داوری است. در ایران، محدودیت‌هایی در انتخاب داوران وجود دارد که در مواد ۴۵۴ تا ۴۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی بیان شده و این محدودیت‌ها می‌توانند موجب کاهش انعطاف‌پذیری داوری شوند همچنین تعارض میان ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی که اصل حاکمیت اراده را تأیید می‌کند و ماده ۹۶۸ قانون مدنی که قاعده حکومت قانون محل انعقاد قرارداد را مطرح می‌کند، از چالش‌های مهم حقوقی است که نیازمند تفسیرهای تطبیقی و اصلاحات قانونی است.

در حقوق فرانسه، جهات ابطال آرای داوری بین‌المللی محدودتر و منسجم‌تر است و رویه قضایی حمایت بیشتری از استقلال داوری دارد این امر موجب تسهیل و تسريع در حل اختلافات داوری می‌شود، در حالی که در ایران دخالت دادگاه‌ها در برخی موارد بیشتر است که می‌تواند به پیچیدگی و تأخیر در روند داوری منجر شود از دیگر چالش‌ها، محدودیت‌های مربوط به انتخاب داوران و نحوه رسیدگی به دعاوی ابطال آرای داوری است که در ایران محدودیت‌های بیشتری نسبت به فرانسه دارد

همچنین، در سطح بین‌المللی، مسائل حقوقی مرتبط با تعهدات ایران در کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی، مانند کنوانسیون وین ۱۹۶۳ درباره روابط کنسولی، می‌تواند بر روند داوری و حل اختلافات تأثیرگذار باشد. (شمس، ۱۳۹۲)

برای رفع این چالش‌ها، راهکارهایی مانند اصلاح قوانین داخلی به ویژه ماده ۹۶۸ قانون مدنی، تفسیر تخییری قوانین موجود به نفع آزادی اراده طرفین، کاهش دخالت‌های غیرضروری دادگاه‌ها در داوری، و الهام‌گیری از تجارب موفق کشورهای دیگر مانند فرانسه پیشنهاد می‌شود. همچنین، تدوین آیین‌نامه‌ها و مقررات داخلی منطبق با تعهدات بین‌المللی و ارتقای آموزش و آگاهی حقوق‌دانان و قضات نسبت به اصول داوری بین‌المللی می‌تواند به بهبود وضعیت کمک کند. در مجموع، رفع تعارض‌های قانونی، افزایش استقلال داوری، و ایجاد چارچوب حقوقی هماهنگ و منسجم، از مهم‌ترین راهکارها برای تقویت اصل حاکمیت اراده و ارتقای کارایی داوری بین‌المللی در ایران است، به نحوی که بتواند با استانداردهای بین‌المللی و تجارب موفق کشورهای پیشرفته مانند فرانسه همگام شود (مصلحی، ۱۳۹۴).

۹-۷- مشکلات و چالش‌های موجود در اجرای اصل حاکمیت اراده در هر دو نظام حقوقی

مشکلات و چالش‌های موجود در اجرای اصل حاکمیت اراده در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه در چند محور اصلی قابل بررسی است.

در حقوق ایران، اگرچه اصل حاکمیت اراده به عنوان یک اصل پذیرفته شده است، اما محدودیت‌های قابل توجهی بر آن اعمال می‌شود. این محدودیت‌ها ناشی از تعارض میان ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی که آزادی انتخاب قانون حاکم را تأیید می‌کند و ماده ۹۶۸ قانون مدنی است که قانون محل انعقاد قرارداد را به عنوان قانون حاکم بر تعهدات قراردادی تعیین می‌کند. همچنین، اصل حاکمیت اراده در ایران مشروط به رعایت شرع، نظم عمومی، اخلاق حسنه و قواعد آمره است. به عنوان مثال، قراردادهایی که برخلاف اخلاق حسنه یا شرع باشند، باطل تلقی می‌شوند و آزادی اراده در این موارد محدود می‌شود. این محدودیت‌ها باعث پیچیدگی در اجرای اصل حاکمیت اراده شده و گاهی موجب دخالت بیشتر دادگاه‌ها در داوری می‌گردد. علاوه بر این، محدودیت‌هایی در انتخاب داوران و نحوه تحصیل دلیل در داوری نیز وجود دارد که می‌تواند بر استقلال و کارآمدی داوری تأثیرگذار باشد. (مؤمنی، ۱۳۹۴)

در حقوق فرانسه، اصل حاکمیت اراده جایگاه برجسته‌ای دارد و آزادی طرفین در انتخاب قانون حاکم و شرایط داوری به طور گسترده پذیرفته شده است. با این حال، این آزادی نیز مشروط به رعایت نظم عمومی و قوانین آمره است. چالش‌های اصلی در فرانسه بیشتر مربوط به حفظ تعادل بین آزادی اراده و ملاحظات نظم عمومی است. رویه قضایی فرانسه به طور کلی از استقلال داوری حمایت می‌کند و دخالت دادگاه‌ها محدود است، اما در مواردی که انتخاب قانون یا شرایط داوری با نظم عمومی تعارض داشته باشد، مداخله صورت می‌گیرد. (کامینگا، ۱۳۹۲)

به طور کلی، در هر دو نظام حقوقی، محدودیت‌هایی مانند رعایت نظم عمومی، قواعد آمره، اخلاق حسنه و قوانین خاص، آزادی مطلق اراده طرفین را محدود می‌کند. در ایران این محدودیت‌ها جدی‌تر و ساختاری‌تر است و نیازمند تفسیرهای تطبیقی و اصلاحات قانونی برای همسویی با استانداردهای بین‌المللی است. در فرانسه، چارچوب حقوقی منسجم‌تر و رویه قضایی حمایتی‌تر، اجرای اصل حاکمیت اراده را تسهیل می‌کند، اما همچنان حفظ نظم عمومی به عنوان یک مرز مهم باقی می‌ماند. بنابراین، مهم‌ترین چالش‌ها در ایران عبارتند از تعارض قوانین داخلی، محدودیت‌های ناشی از شرع و اخلاق حسنه، دخالت‌های قضایی بیشتر و محدودیت در انتخاب داوران، و در فرانسه چالش اصلی حفظ تعادل بین آزادی اراده و نظم عمومی

است. رفع این چالش‌ها در ایران مستلزم اصلاحات قانونی، تفسیرهای منعطف و تقویت استقلال داوری است تا بتواند با نظام‌های پیشرفته‌تر مانند فرانسه هماهنگ شود. (جعفریان، ۱۳۷۹)

۹-۸- نقش کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی در تسهیل اجرای اصل حاکمیت اراده

کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی نقش بسیار مهمی در تسهیل اجرای اصل حاکمیت اراده در داوری بین‌المللی ایفا می‌کنند. این اسناد، چارچوب حقوقی مشترک و پذیرفته‌شده‌ای را فراهم می‌آورند که بر اساس آن طرفین قراردادهای می‌توانند با اطمینان بیشتری اراده خود را در انتخاب داوری و قانون حاکم اعمال کنند. به عنوان مثال، کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ که از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در زمینه شناسایی و اجرای آرای داوری است، کشورهای عضو را ملزم می‌کند که آرای داوری خارجی را به رسمیت شناخته و اجرا کنند، مگر در موارد استثنایی خاص. این امر تضمین می‌کند که توافق طرفین برای ارجاع اختلاف به داوری و اجرای رای داوری مورد حمایت قانونی گسترده قرار گیرد و از موانع اجرایی در کشورهای مختلف کاسته شود. (کاشانی، شیخیانی، ۱۳۹۱)

علاوه بر این، کنوانسیون‌ها و قوانین نمونه مانند قانون نمونه آنسیترال^۲ اصولی را در خصوص آزادی اراده طرفین در انتخاب قانون حاکم بر ماهیت اختلاف و نحوه رسیدگی داوری تعیین می‌کنند و به کشورها کمک می‌کنند تا قوانین داخلی خود را با این استانداردها هماهنگ کنند. این چارچوب‌ها همچنین به داوران اجازه می‌دهند در صورت سکوت طرفین، با استفاده از قواعد حل تعارض مناسب، قانون حاکم را تعیین کنند که این امر انعطاف‌پذیری داوری را افزایش می‌دهد. بدون وجود این کنوانسیون‌ها، اجرای اصل حاکمیت اراده با مشکلاتی مانند عدم پذیرش شرط داوری توسط دادگاه‌ها، عدم اجرای آرای داوری خارجی و پیچیدگی‌های حقوقی مواجه می‌شد. بنابراین، عضویت در این معاهدات و تطبیق قوانین داخلی با آن‌ها، به ویژه در کشورهایی مانند ایران که با تعارض‌های قانونی داخلی روبرو هستند، می‌تواند به تسهیل اجرای اصل حاکمیت اراده و توسعه داوری بین‌المللی کمک شایانی نماید. در مجموع، کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی با ایجاد وحدت رویه، تضمین اجرای آرای داوری و حمایت از آزادی اراده طرفین، نقش کلیدی در تقویت و تسهیل اصل حاکمیت اراده در داوری بین‌المللی دارند و زمینه‌ساز توسعه و اعتبار بیشتر این نهاد حقوقی در سطح جهانی هستند. (دشتی، کریمی، ۱۳۹۲)

۱۰- نتیجه‌گیری

اصل حاکمیت اراده به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق قراردادهای داوری بین‌المللی، نقش مهمی در تضمین آزادی طرفین در انتخاب قانون حاکم و نحوه حل اختلافات دارد. بررسی تطبیقی ایران و فرانسه نشان می‌دهد که در حالی که هر دو نظام حقوقی این اصل را پذیرفته‌اند، چارچوب‌های حقوقی و میزان محدودیت‌های اعمال‌شده تفاوت‌های قابل توجهی دارند. در فرانسه، اصل حاکمیت اراده با چارچوبی منسجم و حمایت قضایی گسترده اجرا می‌شود و آزادی طرفین در انتخاب قانون و داوران به طور وسیعی پذیرفته شده است. اما در ایران، تعارض‌های قانونی، محدودیت‌های ناشی از قواعد آمره، نظم عمومی و شرع، و دخالت‌های قضایی بیشتر، اجرای این اصل را محدود کرده و نیازمند اصلاحات و تفسیرهای تطبیقی است.

کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی نقش تسهیل‌کننده و هماهنگ‌کننده مهمی در تقویت اصل حاکمیت اراده دارند و با ایجاد چارچوب‌های مشترک، تضمین اجرای آرای داوری و حمایت از آزادی اراده طرفین، به توسعه داوری بین‌المللی کمک می‌کنند.

² - UNCITRAL Model Law

برای بهبود وضعیت حقوقی ایران در این زمینه، اصلاح قوانین داخلی، کاهش محدودیت‌ها، تقویت استقلال داور و هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی از ضرورت‌های اساسی است.

در نهایت، تحقق کامل اصل حاکمیت اراده مستلزم ایجاد تعادل مناسب میان آزادی طرفین و رعایت موازین حقوقی، اخلاقی و اجتماعی است تا داور بین‌المللی به عنوان ابزاری کارآمد و قابل اعتماد در حل اختلافات تجاری و حقوقی مورد استفاده قرار گیرد و جایگاه ایران در عرصه جهانی تقویت شود.

یافته‌های اصلی پژوهش نشان می‌دهد که اصل حاکمیت اراده در حقوق ایران و فرانسه به عنوان یک اصل بنیادین پذیرفته شده اما در قلمرو و نحوه اجرای آن تفاوت‌های مهمی وجود دارد. در حقوق ایران، این اصل در حوزه ایقاعات و حقوق غیرمالی به دلیل ماهیت خاص نهادها و تأثیرات شرعی و اجتماعی با محدودیت‌هایی مواجه است و تعارض میان ماده ۲۷ قانون داور تجاری بین‌المللی و ماده ۹۶۸ قانون مدنی، آزادی انتخاب قانون حاکم را محدود کرده است. در مقابل، در حقوق فرانسه اصل حاکمیت اراده با چارچوبی منسجم‌تر و حمایت قضایی گسترده‌تر اجرا می‌شود و آزادی طرفین در انتخاب قانون حاکم و شرایط قراردادهای به صورت وسیع‌تری پذیرفته شده است.

مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که در هر دو نظام، اراده باطنی و اعلام آن برای تحقق آثار حقوقی اهمیت دارد و فقدان اظهار اراده یا مغایرت آن با قوانین آمره و نظم عمومی، می‌تواند موجب بی‌اعتباری قراردادهای شود. همچنین، هر دو نظام محدودیت‌هایی از جمله رعایت قوانین آمره، نظم عمومی و اخلاق حسنه را برای اصل حاکمیت اراده قائل هستند.

از سوی دیگر، در حقوق ایران به دلیل تأثیر قواعد شرعی و اجتماعی، اصل حاکمیت اراده در برخی حوزه‌ها مانند حقوق خانواده و ایقاعات غیرمالی محدودتر است، در حالی که در حقوق فرانسه این اصل به عنوان مبنای آزادی قراردادی و رضایی بودن قراردادهای به طور گسترده‌ای پذیرفته شده است. علاوه بر این، اصلاحات قانون مدنی فرانسه در سال ۲۰۱۶ بر اهمیت شکل و اظهار اراده تأکید کرده و تلاش کرده است تا تعادل مناسبی بین آزادی اراده و رعایت قواعد قانونی برقرار کند.

در نهایت، پژوهش تأکید دارد که برای بهبود وضعیت حقوقی ایران و هماهنگی بیشتر با استانداردهای بین‌المللی، نیازمند اصلاحات قانونی، تفسیرهای تطبیقی و تقویت استقلال داور است. این اقدامات می‌تواند به ارتقای جایگاه اصل حاکمیت اراده در حقوق ایران و توسعه داور بین‌المللی کمک کند.

۱۱- پیشنهادات برای هماهنگی بیشتر و بهبود وضعیت حقوقی در ایران با توجه به تجارب فرانسه

برای هماهنگی بیشتر و بهبود وضعیت حقوقی اصل حاکمیت اراده در ایران با توجه به تجارب فرانسه، چند پیشنهاد کلیدی وجود دارد:

اول، اصلاح قوانین داخلی به ویژه ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران ضروری است تا تعارض آن با ماده ۲۷ قانون داور تجاری بین‌المللی برطرف شود و آزادی انتخاب قانون حاکم توسط طرفین به صورت شفاف و گسترده‌تری پذیرفته شود. این اصلاح می‌تواند با الهام از چارچوب منسجم و روشن حقوق فرانسه صورت گیرد که آزادی اراده را محترم می‌شمارد و محدودیت‌ها را در قالب قواعد آمره و نظم عمومی تعریف می‌کند.

دوم، کاهش محدودیت‌های مربوط به انتخاب داوران در ایران، که در مواد ۴۵۴ تا ۴۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است، می‌تواند به افزایش انعطاف‌پذیری داور کمک کند. در فرانسه برخلاف ایران، محدودیت‌های تابعیتی برای داوران وجود ندارد و این امر موجب تنوع و تخصص بیشتر داوران می‌شود. بنابراین، حذف یا تعدیل این محدودیت‌ها در ایران می‌تواند جذابیت داور بین‌المللی را افزایش دهد.

سوم، تقویت استقلال داور و کاهش دخالت‌های غیرضروری دادگاه‌ها در روند داور از دیگر راهکارهای مهم است. در فرانسه، جهات ابطال آرای داور محدودتر و منسجم‌تر است و رویه قضایی حمایت بیشتری از استقلال داور دارد، در حالی که در ایران دخالت‌های قضایی بیشتر است که می‌تواند موجب پیچیدگی و تأخیر شود بنابراین، اصلاح قوانین و رویه‌های قضایی به منظور حمایت بهتر از داور و محدود کردن مداخلات غیرضروری، ضروری است.

چهارم، تدوین آیین‌نامه‌ها و مقررات داخلی منطبق با استانداردهای بین‌المللی و تجارب موفق کشورهای پیشرفته مانند فرانسه، به همراه آموزش و ارتقای آگاهی حقوق‌دانان، داوران و قضات نسبت به اصول داور بین‌المللی، می‌تواند به بهبود کیفیت و کارآمدی داور در ایران کمک کند.

در نهایت، ایجاد هماهنگی بین قوانین داخلی و تعهدات بین‌المللی ایران در زمینه داور و انتخاب قانون حاکم، از جمله پیوستن به معاهدات بین‌المللی معتبر و اجرای آنها، می‌تواند زمینه‌ساز توسعه و ارتقای جایگاه ایران در داور بین‌المللی شود. این پیشنهادات در مجموع می‌توانند به رفع تعارض‌های قانونی، افزایش آزادی اراده طرفین، ارتقای استقلال داور و تسهیل روند حل اختلافات کمک کنند و ایران را به نظامی هماهنگ‌تر و جذاب‌تر برای داور بین‌المللی تبدیل نمایند.

منابع و مأخذ

۱. اسدی نژاد، سید محمد؛ (۱۴۰۲)، داوری تجاری بین المللی، چاپ اول، گیلان، نشر دانشگاه گیلان.
۲. ارفع نیا، بهشید (۱۴۰۰)، حقوق بین المللی خصوصی، چاپ اول، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین المللی ایران،
۳. افتخار جهرمی، گودرز (۱۳۹۷)، تحولات نهاد داوری در قوانین موضوعه ایران و دستاورد در حوزه داوری بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۷ و ۲۸، صص ۴۴-۱۳.
۴. امیرمعزی، احمد (۱۳۹۷)، داوری بین المللی در دعاوی بازرگانی، چاپ اول، انتشارات دادگستر.
۵. الماسی، نجادعلی (۱۳۹۲)، حقوق بین الملل خصوصی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۶. بختیاری فر، محمد هادی (۱۴۰۱) نقش دادگاهها در داوری ملی و فراملی، چاپ اول، جلد اول انتشارات جنگل،
۷. بازگیر، یدالله (۱۳۸۹)، داوری و احکام راجع به آن، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی.
۸. پاشا بنیاد، موسی (۱۳۹۴) کلیات داوری شرایط قانونی و محدودیت های داوری حل تعارض در داوری های تجاری بین المللی اثر ناشر: نگاه بینه
۹. جنیدی، لعیا؛ (۱۴۰۰)، نقد و بررسی قانون داوری تجاری بین المللی، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران.
۱۰. جنیدی، لعیا (۱۳۹۶)، قانون حاکم در داوری های بین المللی، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
۱۱. جنیدی، لعیا (۱۳۹۷) «مسئله اجرای آرای داوری ابطال شده»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۴، زمستان، صص ۱۵۹-۱۳۷.
۱۲. دهخدا، علی اکبر؛ (۱۳۷۷)، لغت نامه، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. شمس عبدالله، (۱۳۹۲)، موافقتنامه داوری و صلاحیت دادگاه مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۷، صص ۴۳-۱۱.
۱۴. کامینگا، منوتی (۱۳۹۲)، اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری، ترجمه محمدجواد شریعت باقری، مجله حقوقی، شماره ۲۸، .
۱۵. مؤمنی، فریدون (۱۳۹۴)، قلمرو شورای داوری، چاپ اول و دوم، تهران، گنج دانش.
۱۶. مصلحی، جلال (۱۳۹۴)، حدود مداخله دادگاههای ملی در روند داوری، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۶ و ۱۵، صص ۲۸۲-۲۴۹.
۱۷. جولیان د، لوکاس ی، استفان ا. (۱۳۹۱). داوری تجاری بین المللی تطبیقی. ترجمه ی محمد حبیبی مجنده، قم: انتشارات مفید، چاپ اول. ۴۰۰ صفحه.
۱۸. شیروی ع. (۱۳۹۱) داوری تجاری بین المللی. تهران: انتشارات اوقاف و امور خیریه، چاپ اول، ۳۲۰ صفحه.

مقالات

۱۹. جعفریان م. ۱۳۷۹. تأملی بر لایحه ی داوری تجاری بین المللی (۱)، مجله حقوقی، ۵: ۲۹-۲۷.
۲۰. دشتی م، کریمی ع. ۱۳۹۲. مطالعه تطبیقی داوری رضایی یا تشریفاتی، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دانشگاه علوم قضایی تهران. ۱: ۱۰۴-۱۰۲.
۲۱. سیفی ج. ۱۳۹۷. «قانون داوری تجاری بین المللی ایران همسو با قانون نمونه داوری آنستیرال»، مجله حقوقی دفتر خدمات، شماره ۲۳: ۱۱۰-۶۰.

۲۲. شیروی ع. ۱۳۸۵. بررسی قانون نمونه‌ی آنسیترا ل در خصوص سازش تجاری بین‌المللی، مجله اندیشه‌های حقوقی، ۲۹: ۶۸-۲۵.
۲۳. صفایی ح. ۱۳۷۷. «سخنی چند درباره‌ی نوآوری‌ها و نارسایی‌های قانون داوری تجاری بین‌المللی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۴۰: ۱۴۰-۱۲۵.
۲۴. کاشانی ج، شیخیانی م. ۱۳۹۱. داوری‌های مختلط در قواعد جدید داوری اتاق بازرگانی، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۹: ۱۳-۲۰.

قوانین

۲۵. -قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مصوب ۱۳۷۶.
۲۶. -قانون نمونه‌ی آنسیترا ل مصوب ۱۹۸۵.
۲۷. -قانون داوری تجاری بین‌المللی فرانسه (قانون فدرال فرانسه) مصوب ۱۹۸۷.
۲۸. -قانون داوری تجاری بین‌المللی فرانسه (قانون فدرال فرانسه) مصوب ۲۰۱۰.

منابع انگلیسی

29. -Ahmed S. ei-Kosheri & Tarck F. raid. 2002. the law governing a new generation of
30. Petroleum agreements. (Irvington-on-Hudson. NY: Transnational Publishers. Inc).LawRef. 64: 35-36.
31. Albert J. van den berg (ed). 2007. international arbitration 2006: back to basics? Icca congress series 2006 montreal (kluwer law international). 13:19-21.
32. -Chue kee loon. 2012.determining the proper law of an arbitration agreement. rajah tann.3:56-58.
33. -Jonathan choo and shaun lee. 2013. arbitration clause in main agreement was an implied term in settlement agreement.9:61-65.
34. -Michael e. schneider and dr paolo michael. 2005. the new swiss law on international arbitration. -perspectives. 14: 15-17.

Comparative Analysis of the Principle of Sovereignty of Will in the Selection of Governing Law in International Arbitration: A Case Study of Iran and France

Leila Bayat Shahparast

Master's student, Department of Law, Finance and Economics, Islamic Azad University, Firouzabad Branch, Iran.

Abstract

This article deals with a comparative analysis of the principle of sovereign will in the selection of governing law in international arbitration with a case study of Iran and France. The main objective of the research is to examine the degree of freedom of the parties in determining the governing law and the effect of this principle on the implementation of arbitration agreements. In this regard, by using the descriptive-analytical method and studying the legal documents and judicial procedures of the two countries, the points of commonality and difference between the legal systems of Iran and France in this regard have been examined. The research findings show that both legal systems respect the principle of sovereign will, but there are differences in the extent of restrictions and the role of national courts in interpreting and applying the governing law, which can affect the implementation of international arbitrations. In this study, it was found that both countries recognize the principle of the rule of will and the parties can choose the governing law, but in Iran, arbitrators are required to refer to the rules of conflict of law resolution and cannot independently determine the substantive law, while in France this restriction is less. Also, the role of national courts in confirming or invalidating the competence of arbitrators and the validity of arbitration agreements is important in both countries, but the procedures are different. Iranian and French laws impose restrictions on freedom of will in some cases, which arise from considerations of public order. The results of this study show that the principle of the rule of will in choosing the law governing international arbitration is a common basis in Iran and France, but there are structural and procedural differences that can affect the arbitration process. In order to promote the coordination and efficiency of international arbitration, it is necessary to make legal and procedural reforms in both countries based on mutual experiences. It is also essential to pay attention to public order considerations and the role of national courts in ensuring the proper implementation of arbitration agreements.

Keywords: Principle of Sovereignty of Will, Governing Law, International Arbitration, Commercial Arbitration, Iranian Law, French Law, Conflict Resolution Rules, National Courts, Arbitration Agreement and Public Order
